

زیست بوم
<div><div><div><div><div><div></div></div></div><div><div><div></div></div></div><div><div><div></div></div></div></div></div></div> <div>یکشنبه ۲۱ بهمن ۱۴۰۳ شماره ۸۶۷۴</div>
جوابیه

زیر ساخت‌های آب و کشاورزی هزار همت اعتبار می‌خواهد

نظر به مطلب منتشرشده درآن روزنامه مورخ ۱۷/۱۰/۱۴۰۳ که خبر ۶۱۲-۱۱ باعنوان «مازندران به گل نشست» مقتضی است دستور فرمایید، طبق قانون مطبوعات، توضیحات وزارت جهاد کشاورزی را در آن روزنامه درهمان صفحه و ستون برای روشنگری افکارعمومی منتشر نمایند. استان مازندران حدود ۲۸ درصد از سطح برنجکاری کشور و حدود۳۵ درصد از تولید کشور را برعهده داشته که رتبه اول تولید و رتبه دوم کشت برنج را در کشور به خود اختصاص داده است که افزایش تولید آن ناشی از اجرای پروژه‌هایی که منتج به افزایش بهره‌وری برنج می‌باشد. برنامه ابلاغی سطح کشت برنج هر ساله براساس برنامه الگوی کشت که از طرف سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی تهیه و تدوین می‌شود، از سوی معاونت امور زراعت وزارت جهاد کشاورزی به استان ابلاغ می‌گردد.

در خصوص کشت برنج در کشور برنامه‌های معاونت امور زراعت بر اساس تصویب‌نامه هیأت وزیران در خصوص ممنوعیت و محدودیت کشت برنج در سایر استان‌ها به شماره ۰۲-۷۸۰/ت/۵۵۸۶۸ مورخ ۱۵/۸/۱۳۹۷ می‌باشد. لذا به منظور افزایش تولید و بهره‌وری و حفظ منابع پایه، پروژه‌های خشکه‌کاری با روش آبیاری قطره‌ای و تغذیه گیاه در ۳ استان گیلان، مازندران و گلستان انجام شده است که با بررسی نتایج اولیه طرح، در صدت توسعه روش‌های نوین آبیاری در اراضی شالیزاری با هدف صرفه‌جویی در مصرف آب و افزایش بهره‌وری آب می‌باشند.

شناسایی بیش از یک میلیون چاه طی آماربرداری دور سوم از سوی وزارت نیرو و وجود بیش از ۵۰۰ هزار حلقه چاه فاقد پروانه بهره برداری، یکی از ابعاد حکمرانی نادره در کشور است.

بدیهی است ادامه روند برداشت بی‌رویه از منابع آب زیرزمینی صدمات جبران‌ناپذیری بر پایداری تمدنی کشور خواهد داشت. در این خصوص وقف ساده ۳ قانون توزیع عادلانه آب و تبصره ذیل آن که استفاده از منابع آب‌های زیرزمینی از طریق حفر هر نوع چاه و قنات و توسعه چشمه در هر منطقه از کشور را صرفاً با اجازه و موافقت وزارت نیرو مجاز می‌داند و وزارت مذکور می‌بایست با توجه به خصوصیات هیدروژئولوژی منطقه شناسایی طبقات زمین و آب‌های زیرزمینی) نسبت به صدور پروانه حفر و بهره‌برداری اقدام کند. براین اساس، معاونت آب و خاک وزارت جهاد کشاورزی بارها از طرق مختلف از جمله انجام مکاتبات و انعکاس میزان گزارشات اضافه برداشت از چاه‌های مجاز و برداشت از چاه‌های فاقد پروانه بهره برداری، خواستار اقدام قانونی و لازم از سوی وزارت نیرو برای جلوگیری از این روند مخرب بوده است. معاونت آب و خاک تاکنون متناسب با اعتبارات تخصیصی اقدامات شایسته‌ای در قالب طرح‌های زیربنایی مختلف آب و خاک کشاورزی عملیاتی نموده است که تقریباً شامل نیمی از اراضی کشاورزی آبی در سطح کشور است. برآوردهای اولیه نشان می‌دهد برای تکمیل زیرساخت‌های آب و خاک کشاورزی کشور به اعتباری بالغ بر ۱۰۰۰ همت نیاز است که در صورت تأمین اعتبار این طرح‌ها عملیاتی می‌شود و موجب افزایش چشمگیر راندمان آبیاری خواهد شد.

گزارش خبری

مخالفت وزارت میراث کارگر نیفتاد

باغ شاه‌عباس به شهرداری بهشهر رسید

زیست‌بوم، نامف‌نگاری وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی از الحاق باغ جهانی عباس‌آباد به شهر بهشهر جلوبگی‌ری نکرد. این اولین بار نبود که تصمیم‌گیران درباره الحاق باغ عباس‌آباد به درخواست متولی اصلی آن بی‌توجهی می‌کردند.
ضعف از سالال ۱۳۹۹ به همین منوال بوده و این بی‌اعتنایی آنقدر ادامه یافت که در میان مخالفت شدید وزارت متولی اصلی این اثر، باغ به شهر بهشهر الحاق شد تا مدیریت آن در اختیار شهرداری قرار گیرد؛ آن هم زمانی که شهرداری طی دو سال مدیریت این باغ، کارنامه مردودی گرفته است.
حالا جامعه باستان‌شناسی که دل‌نگران خروج باغ از فهرست جهانی یونسکو است در نامه‌ای از سیدرضا صالحی وزیر میراث فرهنگی و وفرزانه صادق مالو‌اچرد، وزیر راه و شهرسازی خواسته است تا با قید فوریت، مصوبه الحاق باغ تاریخ عرصه‌ای به حرم بهشهر بهشهر ابطل شود. این جامعه به نمایندگی از باستان‌شناسان کشور، زیر سؤال رفتن اعتبار بین‌المللی ایران با خروج این باغ از فهرست جهانی یونسکو یادآور شد. دل‌نگرانی اصلی اما جای نگرین است؛ جایی که باعث می‌شود باغ عباس‌آباد از فهرست جهانی خط بخورد. باستان‌شناسان الحاق این باغ به حرم شهر بهشهر می‌شود.
بهانه هم حفاظت و استنفاده مردم از این بی‌رویه محدود شهوری، تجاوز و دست‌اندازی امکانات و زیرساخت‌های زندگی شهوری مدرن به ساختار و این بافت ارزشمند صفوی دانستند.

داستان از تیرماه سال ۱۳۹۹ شروع می‌شود؛ جایی که شهرداری بهشهر برای افزایش حرم شهر در جبهه جنوب‌شرقی، خواستار الحاق روستای التبه و اثر ثبت جهانی باغ عباس‌آباد بهشهر می‌شود. بهانه هم حفاظت و استفاده مردم از این باغ است! البته مدیریت باغ بدون این الحاق هم به مدت دو سال به شهرداری واگذار می‌شود تا با نیکت‌های آبی تعبیه شده در آن، معلوم شود تفاوتی بین یک باغ صفوی و پارک‌های معمولی برای شهرداری وجود ندارد. بررسی نامه‌نگاری‌ها بین میراث فرهنگی و موافقان الحاق توسط «عصرایران» هم نشان می‌دهد تخلف‌هایی در مسیر این الحاق صورت گرفته است.

از جمله در تابستان ۹۹، در صورتجلسه کارگروه امور زیربنایی استان مازندران از شهرداری خواسته شد تا درباره الحاق باغ عباس‌آباد به بهشهر از پایگاه میراث جهانی عباس‌آباد استعلام شود که میراث فرهنگی در پاسخ به استعلام مخالفت خود با این الحاق را به طور رسمی اعلام می‌کند.

با وجود این مخالفت، شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان مازندران یک ماه بعد، طرح جامع شهر بهشهر را بررسی و «بدون احتساب مساحت باغ» آن را تصویب کرد. در کمال شگفتی سه روز بعد از این مصوبه، دبیر شوروا بدون توجه به مخالفت وزارت میراث فرهنگی، در اصلاحیه‌ای مشکوک، حرم شهر را «با احتساب مساحت باغ» تصویب می‌کند. در نهایت هم شورای عالی شهرسازی و معماری این الحاق را ابلاغ کرد و آه از نهاد همگان برآورد تا این سؤال پیش بیاید که وزارت میراث فرهنگی چه جایگاهی دارد که توانی از حوزه تحت مسئولیت خود دفاع کند؟ آیا نامه‌نگاری باستان‌شناسان به شورای عالی شهرسازی و معماری، می‌تواند سایه سنگین ساخت‌وسازهای شهری را از سر این باغ صفوی کم کند؟

زیست بوم

یکشنبه ۲۱ بهمن ۱۴۰۳ شماره ۸۶۷۴



معاون سابق سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری در گفت‌وگو با «ایران» مطرح کرد

ضرورت تفکیک منابع طبیعی از جهاد کشاورزی

گزارش

زهرآ کشور

دبیر گروه زیست‌بوم

یک ماه پیش بود که کارشناسان هشدار دادند اگر روند بهره‌برداری از جنگل‌هایرگانی پایان نیابد، بزودی تبدیل به جنگل‌های جزیره‌ای در سه استان گلستان، گیلان و مازندران می‌شود و پیوستگی خود را از دست می‌دهد. سازمان منابع طبیعی چند سال پیش خبر داد جنگل‌های گلستان دیگر توانایی نگهداشت آب را در خود ندارند. فرونشست به استان‌های شمالی رسیده است. بلوط‌های زاگرس، منبع تولید ۵۰درصد آب شیرین و تضمین‌کننده امنیت غذایی کشور رو به زوال است و با بیماری‌های بسیاری دست و پنجه نرم می‌کند. بسیاری از کارشناسان نجات آخرین لکه‌های سبز در کشور کشاورزی و نیمه‌خشک را در جدا شدن سازمان منابع طبیعی از وزارت جهاد کشاورزی می‌دانند. لزوم استقلال سازمان منابع طبیعی از جهاد کشاورزی موضوع تازه‌ای نیست. کاظم نصرتی، معاون سابق سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور به «ایران» می‌گوید، چندین‌بار این موضوع را در دهه ۸۰ به مجلس برده‌ام اما به دلیل مخالفت کمیسیون کشاورزی نوانسته‌اند آن را تبدیل به وزارت منابع طبیعی کنند. او دلیل مخالفت با استقلال منابع طبیعی را تبدیل شدن این سازمان به بانک زمین‌دستگاه‌های دولتی می‌داند و در گفت‌وگو با «ایران» هشدار می‌دهد اگر سازمان منابع طبیعی جداشود، مجبور به جابه‌جایی اکوسیستمی جمعیت خواهیم شد. او در حالی این هشدار را می‌دهد که مهاجرت اقلیمی مدت‌هاست در ایران شروع شده است. روزنامه ایران در این گفت‌وگو نظرات کاظم نصرتی را به عنوان یک مسئول پیشین و کارشناس حوزه منابع طبیعی پوشش داده و این‌آمانگی را دادند تا پاسخ با توضیحات مقامات جهاد کشاورزی یا دیگر کارشناسان را پوشش دهد.

سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری باید چه ساختاری پیدا کند تا بتواند از جنگل‌ها و مراتع حفاظت کند؟
جنگل‌ها در طول ۱۰۰ سال گذشته همیشه تحت پوشش وزارت کشاورزی بوده؛ مدتی زیر نظر وزارت جهاد و این هم تحت پوشش وزارت جهاد کشاورزی است، جز چهار سال و از سال ۱۳۴۶ تا ۱۳۵۰ که تحت پوشش وزارت منابع طبیعی بوده است. اکثر کارشناسان و جنگلبان‌ها معتقدند این دوره چهارساله، دوره شکوفایی منابع طبیعی بوده است. قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع، به عنوان یکی از بهترین قوانین کشور نیز مصوب سال ۱۳۴۶ است. این قانون هنوز هم در حال اجراست. البته باید در آن بازنگری صورت می‌گرفت اما به دلیل ترس یایی‌توجهی این وزارتخانه (جهاد کشاورزی) حتی در بررسی قانون هم موفق نشدند تغییر مثبتی در آن حاصل کنند. در نهایت اداره سازمان جنگل‌ها تحت پوشش وزارت جهاد کشاورزی، این سازمان را تبدیل به حیاط خلوت یا بانک زمین برای این وزارتخانه کرده است. اخیراً هم به علت بی‌توجهی وزارت جهاد کشاورزی و خود سازمان، دستگاه‌های دیگر در عرصه‌های منابع طبیعی وارد شدند و حتی منابع به صدور سند مالکیت برای دستگاه‌های دیگر شده است، در صورتی که طبق قانون، تمام عرصه‌های منابع طبیعی به نام سازمان جنگل‌ها و به نمایندگی از دولت سند دارند. صدور سند برای دستگاه‌های دیگر اشتباه بزرگی است که عرصه‌های منابع طبیعی را به قطعات پراکنده‌ای تقسیم و آنها را از

گزارش

یکشنبه ۲۱ بهمن ۱۴۰۳ شماره ۸۶۷۴

است. به طور مثال وزارت نیرو برای خودش سند رودخانه‌ها و مسیل‌ها را می‌گیرد و اجاره می‌دهد. نماینده‌ها بشدت دخالت می‌کنند. نماینده‌ها حتی در انتخاب مدیرکل منابع طبیعی در استان‌ها نیز دخالت می‌کنند. بنابراین باید ساختار عوض و قانون اجرایی شود. با تفاهنامه و از در دوستی نمی‌شود منابع را حفظ کرد، کما اینکه بعضی از تفاهنامه‌ها، منشأ یک مشکل جدی شده‌اند.

مثلاً چه تفاهنامه‌ای؟

سند گرفتن وزارت نیرو برای رودخانه‌ها نتیجه اشتباه و امضای تفاهنامه‌ای توسط یکی از معاونین سازمان منابع طبیعی بود. با همین تفاهنامه، الان دارند برای تالاب‌ها سند می‌گیرند. همچنین دارند مالکیت و یکپارچگی سرزمین را از بین می‌برند و این یکی از بزرگترین خطرهایی است که عرصه‌های منابع طبیعی را تهدید می‌کند. الان اوقاف دارد برای خودش از منابع طبیعی سند می‌گیرد. همین سازمان محیط زیست هم الان دارد سند می‌گیرد.

بسیاری اعتقاد دارند تبدیل سازمان منابع طبیعی به وزارتخانه می‌تواند ابزار استفاده و برکناری را در اختیار نماینده‌ها برای فشار به وزیر منابع طبیعی تبدیل کند و برای همین هم پیشنهاد می‌دهند که حتماً مثل معاونت محیط زیست تبدیل به یکی از معاونت‌های زیر نظر رئیس جمهوری شود.

در یک شرایط عادی، اینکه یک نماینده می‌تواند از وزیری سؤال کند را خیلی دموکراتیک‌تر می‌دانم تا اینکه یک نفر معاون رئیس جمهور باشد. الان عملکرد سازمان حفاظت محیط زیست بهتر از سازمان منابع طبیعی نیست. حتی شاید در خیلی جاها نه تنها بهتر نباشد که در حد سازمان جنگل‌ها هم قرار نگیرد، برای اینکه سازمان جنگل‌ها یک عرصه وسیع ۸۰ درصد خاک کشاورزی را باید حفاظت کند ولی سازمان محیط زیست فقط مدیریت مناطق چهارگانه که ۱۱ درصد وسعت کشور را دارند در دست دارد. ما در آن لایحه‌ای که تهیه کرده و به مجلس داده بودیم به دنبال ایجاد وزارت محیط زیست، آب و منابع طبیعی بودیم. چون آن طرح به دنبال ذخیره و توزیع آب نبود، بلکه تولید و حفاظت از آب را مدنظر داشت.

الان کاری که وزارت نیرو انجام می‌دهد تنها ذخیره و توزیع آب است.

بله و هیچ ارگانی وظیفه تولید و حفاظت از آب را ندارد. تولید آب از طریق عرصه‌های جنگل‌ها و مراتع تأمین می‌شود. آن چیزی که وزارت نیرو انجام می‌دهد عمدتاً سدسازی و توزیع آب است. یعنی تولید و حفاظت آب که یکی از مهم‌ترین اهداف این تشکیلات می‌تواند باشد. الان سرش بی‌کلاه است. ولی نه تنها با ایجاد این وزارتخانه موافقت نشد که در اصلاحش هم قانون را خراب‌تر کردند.

مثلاً چه قوانینی؟

در اواسط دهه هشتاد یک قانونی به نام افزایش بهره‌وری تصویب شد. در آن قانون چند ماده آوردند که اختیار عرصه‌های ملی را تا حدودی از دست سازمان جنگل‌ها خارج کردند و تا جایی پیش رفتند که مثلاً مدیرکل استان مصاحبه می‌کند ما مسئول واگذاری زمین نیستیم، یا رئیس سازمان منابع طبیعی می‌گوید ما مسئول واگذاری زمین نیستیم در صورتی که عرصه‌های منابع طبیعی داشتند واگذار می‌شود. شماره در قضیه پتروشیمی میانکاله دیدید که رئیس وقت سازمان مصاحبه کرد و گفت ما مسئول واگذاری زمین نیستیم. ولی وقتی ردیابی می‌کنید در نهایت می‌بینید نظر آنها را هم می‌گرفته‌اند. یا سازمان منابع طبیعی دفتری را به نام دفتر استعدادیابی ایجاد کرده است که معنی وجود چنین «دفتری» یعنی این که دنبال‌باید.

بعنی ما دفتری در سازمان منابع طبیعی داریم می‌گویید کدام عرصه ملی را بساز و کدام عرصه را بکاز؟

دقیقاً. یعنی ما خودمان می‌رویم استعدادیابی می‌کنیم که کدام عرصه برای چه کاری خوب است. اشکالات عدیده‌ای در این سیستم و تشکیلات وجود دارد که باید یک جایی جمع و یک کاسه شود، حالا می‌خواهد وزارتخانه بشود یا معاونت زیر نظر رئیس جمهوری باشد.

پس به رغم احتمال فشار برخی از نماینده‌ها، شما با تبدیل سازمان منابع طبیعی به وزارتخانه موافق هستید؟

بله. درست است که از ۳۰۰ نماینده ممکن است ۱۰ تا ۲۰ نماینده مخالفت کنند ولی جای دموکراتیک‌تری از معاونت رئیس جمهور است. چون نمی‌دانیم اگر زیر نظر رئیس جمهوری برود چه می‌شود. اما فکر نکند بهتر از سازمان فعلی حفاظت محیط زیست شود.

چه سالی طرح را به مجلس بردید؟

دهه هشتاد، چندین بار این پرسوه اتفاق افتاد. یادم هست دفعه آخری با دستور رئیس مجلس و نماینده‌ای که ایشان تعیین کرده بود، کارگروهی تشکیل و طرح تهیه شد ولی از کمیسیون کشاورزی بیرون نیامد.

مجلس دلیل این مخالفت را چه اعلام کرده است؟

حقیقت اینست که ما در دهه هشتاد رئیس سازمان منابع طبیعی آمد و گفت یک طرح به نام طرح جامع منابع طبیعی بنویسید می‌بریم و تصویب می‌کنیم، ولی وسط راه در خود وزارتخانه ماند.

استقلال نسبی منابع طبیعی در طول این سال‌ها در وزارتخانه هم از بین رفت…

بله، آن زمان که وزارت منابع طبیعی منحل شد تا مدتی سازمان مستقل باقی ماند و فقط انتخاب رئیس آن با معاون وزیر بود، ولی در طول سال‌ها آن استقلال نسبی هم که داشت، گرفته شد. الان منابع طبیعی محل تاخت و تاز دامدار، قاچاقچی و… شده است. وضع زاگرس بدتر از شمال است، شمال بدتر از ارسباران و ارسباران بدتر از زاگرس. تمام عرصه‌های منابع طبیعی به نوعی رها شده و مدیران منابع طبیعی در استان‌ها بشدت تحت فشار دستگاه‌های مختلف هستند.

آیا در همه این دهه‌ها کسی گفت ارجاع این طرح به کمیسیون کشاورزی به سرانجام نمی‌رسد؟

چون وزارت منابع طبیعی براساس قانون تشکیل شده و براساس قانون منحل شده است و الان اگر قرار باشد ساختار جدید داشته باشد، باید مبتنی بر قانون باشد و نیاز به تصویب قانون دارد.

خوب الان ساختار قانونی، خودش یک منبع است.

بله. الان نماینده‌های مجلس در استان‌ها خودشان مشکل هستند. در گذشته خودمدیران منابع طبیعی- به آنها سرچنگل‌دار کل می‌گفتند- دارای اختیارات قانونی نسبی بودند ولی الان هر دستگاهی به منابع طبیعی فشار می‌آورد. عمده فشار هم از سوی نماینده‌های مجلس یا دستگاه‌های متولی یعنی وزارت جهاد کشاورزی است. بنابراین باید به قول حضرت سعیدی گفت: از دشمنان ریزد شکایت به دوستان/ چون دوست دشمن است شکایت کجا بریم.

الان منابع طبیعی به هر سمتی می‌رود به بن‌بست می‌رسد. برای اینکه وزارت جهاد کشاورزی، نیرو، صمت، اوقاف و… همه به جان منابع طبیعی، افتاده‌اند. الان در استانی مثل یزد که خشک‌ترین استان است، بیشترین واگذاری زمین را برای معادن دارند. برای آنکه هر کس در منابع طبیعی قوانین و راه خاصی را در پیش گرفته

بیشتر مدیریت زمین، ذخیره و توزیع آب اتفاق می‌افتد و هیچ کدام از این مدیریت‌ها، مدیریت سرزمین نیست که به حفظ منابع آب و خاک منجر شود.

یعنی کاری که هم اکنون وزارتخانه‌های نیرو و جهاد کشاورزی انجام می‌دهند.

بله. در صورتی که برای پایداری کشور، باید پوشش گیاهی و خاکی را حفظ کنیم. این پوشش گیاهی اولین وظیفه‌اش، حفظ والدین خود یعنی آب و خاک است که اگر آن را از بین ببریم، طبیعتاً آب و خاکی هم نخواهیم داشت؛ این خیلی روشن است. بنابراین ساختار و سیستمی باید باشد تا بتواند ۸۰ درصد عرصه‌های کشور را که منابع ملی است، حفظ کند. ما همین الان هم با بحران‌هایی چون فرونشست زمین، خشک شدن رودخانه‌ها و از بین رفتن تالاب‌ها مواجه هستیم و اصلاً حیات وحش نداریم؛ یک‌سری گونه حیوانی داریم که اهلی شده‌اند؛ زمستان‌ها علوفه و تابستان‌ها برایشان آب می‌بریم. این دیگر اسمش حیات وحش نیست. به هر ترتیب تمام فاکتورهای زیستی کشور رو به تخریب و به بحران رسیده است. اگر چاره‌ای نیندیشیم طبیعی است که در اندک زمانی زیست‌بوم‌ها جابه‌جا می‌شوند.

لزوم مستقل شدن سازمان منابع طبیعی بحث کهنه‌ای است، چرا هیچ وقت این مطالبه اجرایی نشده است؟

خود این ساختار طوری است که نمی‌خواهد به حفظ منابع طبیعی و محیط‌زیست بپردازد، برای اینکه سازمان جنگل‌ها را بانک زمین می‌دانند. مثلاً می‌گویند امنیت غذایی از بین می‌رود. این بهانه، سرپوششی است برای تمام ضعف‌های هفت و هشت دهه پیش. عکس‌های هوایی سال ۱۳۳۵-۱۳۴۶ را بررسی کنید، تمام اراضی حاصلخیز و تاریخی به ساختمان تبدیل شده‌اند. کشاورزی هم عمدتاً به شیب‌ها و دیمزارها- کم‌بازده- سوق داده شده است. بنابراین اگر ما مدیریت‌های خودش هم بر نمی‌آید. ما پنج دهه است در قیمت مرغ، تخم‌مرغ، پیاز و سبب‌زمینی مانده‌ایم. الان هم که وضعیت محصولات کشاورزی و بازار را می‌بینید. بنابراین مدیریت وزارت جهاد کشاورزی بر عرصه‌های منابع طبیعی به صلاح نیست اگر فکری نکنیم حتی زیست‌بوم‌های ما هم در آینده از بین می‌روند و مجبور به جابه‌جایی جمعیت می‌شویم.

البته مهاجرت اقلیمی به دلیل از بین رفتن محیط زیست، مدت‌هاست که از استان‌های جنوبی و مرکزی به سمت شمال شروع شده است…

بله و در حال تبدیل شدن به بحران جبران‌ناپذیری است. متأسفانه در کشور ما

مراقب حیات وحش در روزهای سرد و برفی باشیم

فرمانده یگان حفاظت سازمان محیط زیست، سرهنگ جمشید محبت‌خانی با توجه به سرد شدن هوا و نزدیک شدن حیات وحش به مناطق مسکونی از شهروندان خواست تا با رعایت اصول زیست‌محیطی و پرهیز از رفتارهای نادرست، از بروز تعارضات میان انسان و حیات‌وحش جلوگیری کنند.

به گفته جمشید محبت‌خانی، با شروع فصل سرما و کاهش منابع غذایی و آبی در طبیعت، برخی حیوانات وحشی و حتی برخی گونه‌های علف‌خوار ممکن است برای تأمین نیازهای خود به حاشیه شهرها و روستاها نزدیک شوند که این شرایط می‌تواند هم برای حیوانات و هم برای انسان‌ها چالش‌هایی ایجاد کند که مدیریت صحیح آن ضروری است. او از شهروندان خواست در صورت مشاهده حیوانات وحشی، خونسردی خود را حفظ کرده، از تحریک، تغذیه یا نزدیک شدن به آنها پرهیز کنند و هرگونه مورد مشکوک را به سامانه ۱۵۴۰ گزارش دهند.



عکس: ایرنا



عکس: مهر